فهرست

[مقدمه 2](#_Toc136121642)

[نقد آیت‌الله زنجانی به بیان شهید مطهری 2](#_Toc136121643)

[نکته اصلی در تعلیل روایت 5](#_Toc136121644)

# موضوع: فقه/نکاح/مبحث نگاه/حکم نظر به مماثل/ادله

# مقدمه

عرض شد که شاید نظر مشهور در بحث انکشاف و عریان شدن و نشان دادن اعضا از یک زن مسلمان در برابر زن غیرمسلمان کراهت باشد ولی کسانی قائل به حرمت شدند و کسانی مثل آقای خویی قائل به کراهت هم نیستند.دلیل اصلی برای حرمت یا کراهت علاوه بر دلیل اول که آیه شریفه بود دلیل دوم روایت معتبره از حفص بن بختری از امام صادق بود که روایت این طور بود:

«لاَ يَنْبَغِي لِلْمَرْأَةِ أَنْ تَنْكَشِفَ بَيْنَ يَدَيِ اَلْيَهُودِيَّةِ وَ اَلنَّصْرَانِيَّةِ فَإِنَّهُنَّ يَصِفْنَ ذَلِكَ لِأَزْوَاجِهِنَّ».[[1]](#footnote-1)

بحثی در لاینبغی انجام شد که بسیار مفصل بود و دیشب که فرمایش مرحوم آقای تبریزی را می‌دیدم ایشان برخلاف بزرگان دیگر می‌گفتند اگر نگوییم ظاهر در کراهت است لااقل این‌طور است این‌قدر ایشان متفاوت با آقای خویی و زنجانی مطرح کردند و تقریباً میگویند لاینبغی ظهور در کراهت دارد این را ما در مراحل آخر بعد از سه‌چهاروجهی که برای دلالت لاینبغی بر حرمت مطرح کردیم درنهایت می‌گفتیم یک تردیدی وجود دارد و بعد هم از انکشاف بحث شد و بعد یهودیه و نصرانیه بحث شد و درنهایت تعلیل بحث شد که امام در ذیل روایت فرمودند «فَإِنَّهُنَّ يَصِفْنَ ذَلِكَ لِأَزْوَاجِهِنَّ»، و معلل کرده‌اند لاینبغی را به این‌که این زن‌های غیرمسلمان و کافره خصوصیات و ویژگی‌های زنان را برای همسرانشان که علی‌القاعده کافرند ذکر می‌کنند و این موجب شده است که امام بفرمایند لاینبغی و ذیل این یصفن ذلک نکاتی را عرض کردیم که مراد از فانهن یصفن ذلک چیست که قبلاً سه چهار نکته ذکر شد.

# نقد آیت‌الله زنجانی به بیان شهید مطهری

قبل از اینکه به بیان نکات دیگر و تکمله‌های آن بپردازیم یک جمله عرض کنیم که حضرت آقای زنجانی از شهید مطهری از کتاب حجاب ایشان نقل می‌کند که من به‌تازگی آن را نخواندم. آن مطلب این است که طبق آنچه آقای زنجانی نقل می‌کنند این‌که یصفن ذلک لازواجهن در اینجا آمده است و تحریم شده است انکشاف مسلمان در برابر کافره به این دلیل است که اصل این‌که کسی وضع جسمی زنی را برای همسر یا غیر همسر خود تبیین یا تشریح بکند در آن‌یک عنصر نامطلوب وجود دارد. این‌که زنی ویژگی‌های زن دیگری را برای همسر خود تشریح کند خوف فساد دارد و یک نامطلوبیتی در آن وجود دارد و نامطلوبیت در حد حرمت یا کراهت است این را اصل بگیریم برای مسلمان‌های برای جلوگیری از این مسئله یک حکمی داده‌شده است و برای غیرمسلمان حکم دیگری. برای مسلمانان به‌منظور بازداشتن از اینکه زنجیره توصیف زن مسلمان بپذیرد حکمی که قرار داده‌شده این است که به زن مسلمان گفته‌شده است شما توصیف نکن و او طرف خطاب قرار می‌گیرد و علی‌القاعده به حرف خدا گوش می‌کند و توصیف نمی‌کند و از ریشه جلوی توصیف گرفته‌شده است و تفتین نمی‌انجامد اما از اول این زن مسلمان ویژگی‌های زنانی را که دیده است بیان نمی‌کند به خاطر نهی‌ای که دارد. اما زن غیرمسلمان که فرض می‌کنیم که قرار است تشبیهی از خصوصیات بدنی زن دیگر نزد همسر خود انجام دهد نمی‌تواند مورد خطاب قرار بگیرد و می‌تواند ولی معلوم است که انبعاث و انزجاری در او وجود ندارد به همین دلیل به زن‌های مسلمان می‌گوید در برابر زن کافر انکشاف نداشته باشید و انکشاف هم همان عریانی است یعنی همان حدی که حمام اتفاق می‌افتد یا در مجالسی که مراودات خیلی راحت است اینجا برای اینکه آن قصه اتفاق نیفتد به زن مسلمان می‌گوید خود را عریان نکند مقابل زن کافره‌ای. پس چون می‌تواند به زن کافره خطاب کند ولی علی‌الاصول نتیجه‌ای ندارد دو خطاب به زن مسلمان می‌کند یکی این‌که می‌گوید زن دیگری برای شوهر خود توصیف نکن ویکی دیگر اینکه خود را در برابر زنان کافره عریان نکن که آن‌ها این کار را بکنند این فرمایش در کلام آقای زنجانی مورد مناقشه قرارگرفته است که گفتند خیلی بعید است البته در چند جا در همین‌جا از شهید مطهری که خیلی تمجید می‌کنند البته میگویند تتبع ایشان کم بود و ازلحاظ فقهی هم در اینجا نکات و اشکالاتی دارد ایشان میگویند این خیلی بعید است اولاً توصیف زنان از زنان دیگر نزد شوهرانشان چه کسی گفته است حرام است یا مکروه است علی الاطلاق و علاوه بر این مگر صرف این‌که به او بگویی خود را عریان مقابل زن‌های دیگر برای این‌که به توصیف می‌انجامد مگر همه زنان مسلمان به حرف گوش می‌کنند همان‌طور که کفار گوش نمی‌کند زنان مسلمان هم گوش نمی‌کنند.

سؤال: مسیرش که همین است؟

جواب: بله این مطلبی است که آقای زنجانی در نقد کلام شهید مطهری دارند.

دو نکته کلیدی دارد:

1. چه کسی گفته این توصیف حرام است یا اشکالی دارد علی الاطلاق
2. برای بازدارندگی شما میگویید به زن مسلمان دو خطاب می‌کند یکی این‌که توصیف نکن برای شوهرت و یکی این‌که جلوی کافره عریان نشو چون او توصیف می‌کند چه کسی گفته است این بازدارندگی دارد چون ممکن است او هم به حرف گوش نکند.

خیلی تعجب است که روی فرمایش آقای مطهری تعامل کرده‌اند علی‌القاعده شهید مطهری در مقام تحلیل است و بعید است که در مقام حکم باشد یعنی برفرض که ما حرمت را بپذیریم و بخواهیم یک تحلیل ارائه دهیم خیلی تحلیل قشنگی است و نمی‌خواهد حکمی را اثبات کند و نکته دیگر این‌که آنکه ایشان یا همه‌کسانی که قائل به حرمت‌اند این است که توصیفی که در مسیر تفتین و تطمیع باشد اشکال دارد و فلسفه این‌که توصیف نکنند این است که طمعی را در طرف ایجاد می‌کند و الا کسی نمی‌خواهد بگوید بحث کافر و مسلم در اینجا مطرح نیست و تلقی عمومی این است که توصیف به یک نقطه نامطلوبی می‌انجامد و آن حیث اگر مقصود اصلی در این تعلیل باشد این تحلیل و تبیین خوبی است و با این فرمایش نباید مواجه این را داشت که ایشان می‌خواهد یک حکمی را قرار دهد بلکه ایشان می‌خواهد انهن یصفن ذلک مستقلاً علت و حکمت نیست و یک زنجیره بعدی هم دارد یعنی توصیف می‌کنند که این توصیف در او احتمال این است که کسی را تهییج کند و برای این‌که جلوی او را بگیرد خدا می‌گوید تو این انکشاف را نکن که به آنجا نی انجامد و این تحلیل چیز بعیدی نیست و این‌که ایشان می‌فرمایند ممکن است مسلمان این حرف را عمل نکند این ضعیف‌ترین حرفی است که می‌شود در اینجا زد خداوند روی تنظیم خودش جلوی او را می‌گیرد این‌همه دستورات خداداده است ولی مسلمانان انجام نمی‌دهند این هم یکی مثل بقیه است خدا تکوینا نمی‌خواهد جلوی او را بگیرد و خداوند در مقام تکوین و تشریع خداوند این حکم را قرار داده است که به آنجا نیانجامد این‌همه تشریعات الهی است که در مقام تکوین و عالم واقع محقق نمی‌شود این هم یکی از آن‌ها، این نکته اخیر را می‌خواستم عرض کنم که خیلی تعجب دارد که شاید زن مسلمان گوش نکند پس چیزی که شما دنبالش هستید که اتفاق نمی‌افتد، خیلی جاها همین‌طور است.

سؤال:آیت‌الله زنجانی برداشت شهید مطهری را سد ذرایع می‌دانند

جواب: بله اگر بخواهد یک حکمی را استنباط کند این بحث‌ها وجود دارد ولی ایشان در مقام تحلیل یک بحثی را ارائه می‌کند و معلوم است که شهید مطهری درصدد تشریح فلسفه بحث است و می‌خواهد حکمت مسئله را تبیین کند .

سؤال: شهید مطهری ذیل توضیح آیه نسائهن سه احتمال را مطرح کرده‌اند می‌گویند احتمال اول قوی‌تر است که نسائهن برمی‌گردد به نساء مسلمان بعد این توضیح را دادند این هم یک شاهد است

جواب: بله حدس ما هم همین است استظهاری را پذیرفته‌اند و در مقام تشریح و تبیین فلسفه حکم این بیان را داشته‌اند و این بیان قابل دفاعی است و اگر کسی بخواهد با این بیان حکمی قرار دهد قطعاً درست نیست این‌که کسی با همین تحلیل عقلی و ذهنی بخواهد حکمی را قرار دهد و به قول شما سد ذرایع و استحساناتی است که نزد ما ارزش ندارد ولی اگر کسی ذیل آیه یا روایت نقد کرده‌اند و این تحلیل در مقام تبیین فلسفه حکم بیان کرده‌اند و این منعی ندارد.

شهید مطهری چیزی فرمودند و ایشان با حمیت و حدتی آن را رد کرده‌اند و ما گفتیم این‌جور نیست و قابل دفاع است و روی فرض این‌که کسی حکم را بپذیرد این‌جور چیزی می‌شود و این‌که می‌گویند ما جایی ندیدیم که توصیف حرام باشد درست است ما جایی نداریم که توصیف علی الاطلاق حرام باشد ولی اینجا توصیف به‌ضمیمه چیز دیگری حرام است.

سؤال: ...

جواب: تشبیب یعنی چه؟

سؤال: ویژگی‌های یک خانمی را که باعث اصاره شهوت شود برای دیگری بیان کند.

جواب: بله شما دیروز هم گفتید

سؤال: ...

جواب: اخص است توصیف است.

سؤال: ...

جواب: ظاهراً مطلق توصیف نباشد. رئیس مکاسب محرمه اینجاست دقیق یادشان نیست ما در آنجا چی گفتیم.

سؤال: ...

جواب: بله ولی تشریح با آرایه‌هاست زیبا نشان دادن است که ممکن است بگوییم این هم همان است.

سؤال: توصیف مصداق تشبیب است؟

جواب: تشبیب نشان دادن خاص است ولی توصیف اعم است این را در بحث بعدی عرض می‌کنیم. من می‌خواستم بگوییم تشبیب هم کسی به دلیل خاص نگوید ولی مذاق شرع روشن است که زیبا نشان دهد آقای مطهری می‌گوید زیبا نشان دهد این را هم آقای زنجانی قبول ندارد و میگویند زیبا نشان دادن در اینجا نیست و معلوم است اگر ما دلیل خاص نداشته باشیم که کسی زیبایی زنی را برای دیگری تشریح کند این در معرض تفتین است و حتماً اگر این امر بر زیبا نشان دادن تتمیع مترتب باشد حرام است.

سؤال: عنوان ثانوی می‌شود؟

جواب: بله عنوان کلی است که مذاق شرع آن را اقتضا می‌کند ولو در ادله تشبیب هم قیود خاصه‌ای بیاوریم. این اهمیت ندارد چون حس کردم ایشان به این بحث تاختند که دور از آبادی است ولی این طور نیست و شهید مطهری بعد از استظهار فقهی و مسلم گرفتن یک مبنای فقهی فلسفه حکم را بیان می‌کنند که رسم آقای مطهری هم این است و در خیلی از کتاب‌هایشان این طور است و حکم را مسلم می‌گیرد و در تبیین حکم زبردستی دارند.

سؤال: خیلی بر حرمت هم اصرار ندارند و ..

جواب: این تحلیل ایشان هم می‌تواند تحلیلی بر نظریه حرمت باشد و هم می‌تواند برای کراهت باشد که اگر دومی باشد قابل‌قبول‌تر است چون پیشگیری در حد عدم وقوع کراهت است.

# نکته اصلی در تعلیل روایت

نکته اخیر این است که انهن یصفن ذلک تعلیل است یا حکمت است؟ اصل در مواردی که ادات تعلیل در جمله‌ای در پایان بیان یک حکم بیاید این است که حمل بر تعلیل می‌شود و اگر ادات تعلیل هم نباشد جمله‌هایی که به‌منزله تعلیل هست باز حمل بر تعلیل می‌شود و اصل علیت جمله است و لذا جمله‌هایی که همراه با ادات تعلیل است و یا در مقام تعلیل است و در پایان جمله‌ها قرارگرفته است اصل این است که تعلیل است که مفصل بحث کردیم. اصل این است که جملاتی که مدخول ادات تعلیل‌اند یا در مقام تعلیل‌اند حکمت نیستند علت‌اند. لاتشرب الخمر لانه مسکر اصل این است که مسکر علت است و العلة تعمم و تخصص.

سؤال: ...

جواب: چرا علت است و خود حکم تمام علت است حکم دایر مدار آن است علی خلاف بعضی فضلا داخل جلسه که مفهوم است ولی مفهوم هم ندارد ولی علت تعمم و تخصص وجود دارد یعنی شخص حکم را بر محور موضوعی که در علت آمده تنظیم می‌کند اما نوع حکم را نه که به حد مفهوم برسد بنابراین اصل در این جمله‌ها علیت است.

چیزهایی که در آخر آیات می‌آید مثل و الله غفور رحیم، انه کان غفورا رحیما، این‌ها در مقام تعلیل است نمی‌گوییم حمل بر علت می‌کنیم ولی این‌جور جمله‌هایی که آخر جمله‌های قبلی می‌آید ظهور در علیت دارند و اصل در علیت هم حمل بر علت است و جمله اینجا هم همین طور است امام می‌فرمایند «لاَ يَنْبَغِي لِلْمَرْأَةِ أَنْ تَنْكَشِفَ بَيْنَ يَدَيِ اَلْيَهُودِيَّةِ وَ اَلنَّصْرَانِيَّةِ فَإِنَّهُنَّ يَصِفْنَ ذَلِكَ لِأَزْوَاجِهِنَّ». این علت است البته فانهن بیانی است که ممکن است کسی بگوید ظهور در علت دارد حتی از نظر دلالت استعمالی و لفظی. فاء برای تعلیل شاید استفاده‌شده باشد. این ترکیب ظهورش برای علیت خیلی قوی‌تر از این است که همین‌طوری بگوید و الله هو الغفور الرحیم

سؤال: فاء نتیجه است...

جواب: اگر فاء سببیت نداشته باشیم و ترتب بگیریم وجه اینکه انهن یصفن را بر قبل مترتب می‌کند این است که این فاء ترتب نتیجه را بر آن انکشاف می‌گوید. منفی می‌گوید نه نفی. نتیجه نهی و نفی نیست نتیجه منفی است. فانهن یعنی اگر انکشاف حاصل شود یصفن ذلک.

سؤال: تعلیل را می‌توانیم استفاده کنیم اگر نتیجه بگیریم

جواب: بله در مقام تعلیل است. اینکه نهی کردیم چون به نتیجه منفی نرسد. شاید موجب تقویت ظهور در علیت هم باشد. می‌گوید من نهی آوردم روی انکشاف چون انکشاف نتیجه‌اش توصیف است. الانکشاف یؤدی الی التوصیف. این است که گفته‌شده لاینبغی

پس فانهن یصفن ذلک در مقام تعلیل است و اصل در جملاتی که در مقام تعلیل است حمل بر علیت است نه حکمت. این اصل است. حال اگر این را اصل بگیریم نکته‌ای که اینجا وجود دارد این است که انهن یصفن ذلک لازواجهن اگر علت باشد که معمم و مخصص باشد این به تنهایی ارتکاز نمی‌گذارد معمم و مخصص باشد. این همانی است که هم آقای خویی در ذهنشان بوده هم مرحوم تبریزی که می‌گویند لاینبغی ظهور در کراهت دارد. اگر این را هم نگوییم این بیان ذیل که علت باشد با علت سازگار نیست. اگر انهن یصفن را ظاهر اولیه‌اش بگیریم که توصیف امر حرامی است یا حتی مرجوح علی الاطلاق است. ارتکاز با این سازگار نیست. کسی برای دیگری می‌گوید این خانم رنگش سفید یا سیاه است و چیزی دنبالش نمی‌آید. علی الاطلاق این ارتکازی فقهی نمی‌پذیرد که حرام باشد حتی مکروهیت هم معلوم نیست. اگر انهن یصفن ذلک راه داشت اصل بر تعلیل ظهور در علیت است نه حکمت الا اینکه قرینه خلاف باشد که گفته‌شده اینجا داریم. قرینه خلاف این است که اینجا توصیف آمده و قبلش هم حرمت است. توصیف علی الاطلاق ارتکاز فقهی و شرعی ما نمی‌پذیرد آن را به‌عنوان امر حرام بپذیریم. مطلق التوصیف را نمی‌توان گفت حرام است. تشبیب و توصیفات دیگر هم وقتی است که توصیف زیبایی‌ها به‌گونه‌ای باشد که در او اطمینان یا احتمال برانگیختگی یا تهییج شهوانی باشد. و الا مطلق این نمی‌تواند حرام باشد. اینجا مطلق آمده لذا می‌تواند حمل بر کراهت شود. آقای خویی و تبریزی و جمع زیادی به این تمایل پیداکرده‌اند. فانهن یصفن ذلک فقط حاوی توصیف است و این بسیار فراتر از حالی است که تهییج یا تزیینی یا تشبیب در آن باشد. لذا با حرمت سازگار نیست البته با کراهت قابل‌جمع است.

سؤال: کشف را کشف خاص بگیریم

جواب: کشف خاص است و صورت و این‌ها نیست نوعی عریان بودن دیگر اعضاست. البته دیروز گفتیم ممکن است کسی بگوید تنکشف عریانی کامل غیر عورت است که در حمام است.

درهرصورت این نکته را جمع زیادی و آقای خویی تأکید کرده‌اند و گفته‌اند این نکته ما را به این می‌رساند که این تعلیل حکمت است و اگر بخواهد حرمت باشد باید توصیف خاص باشد که این نیست. پس همان توصیف عام است و توصیف عام با کراهت مناسبت دارد. لذا گفته می‌شود این نوعی حکمت است و تناسبش با کراهت است. ما نسبت به این چند نکته داریم که مطرح خواهد شد. اولی‌اش این است که این علت هم باشد مانعی ندارد این را با کراهت سازگار کنید. این توصیف علت کراهت است. هرچه به توصیف بینجامد کراهت داشته باشد. مانعی ندارد که جای دیگری سرایت بدهید.

سؤال: ...

جواب: بله ولی ایشان می‌گوید چیزی که در ذیل آمده باید حمل بر حکمت شود و حکمت هم سازگار با حرمت نیست با کراهت است. آقای خویی این را می‌گوید که این حکمتی را بیان می‌کند و حکمت هم با کراهت سازگار است.

1. [الكافي- ط الاسلامية، الشيخ الكليني، ج5، ص519.](http://lib.eshia.ir/11005/5/519/%D9%8A%D9%8E%D8%B5%D9%90%D9%81%D9%92%D9%86%D9%8E) [↑](#footnote-ref-1)